



مسئولیت‌پذیری سیاسی در انقلاب ایران

در دفاع از عقلانیت و درایت در جنبش شیر و خورشید به رهبری شاهزاده رضا پهلوی

پیمان بخشایش

MD, PhD, MBA

۱۷ اکتبر ۲۰۲۶

مسئولیت‌پذیری سیاسی در انقلاب ایران

در دفاع از عقلانیت و درایت در جنبش شیر و خورشید به رهبری شاهزاده رضا پهلوی

پیمان بخشایش

MD, PhD, MBA

۱۷ اکتبر ۲۰۲۶

در دل انقلاب، مسئولیت‌پذیری سیاسی با پیامد رفتار ما سنجیده می‌شود. هر سخنی که می‌گوییم، هر مرزی که می‌کشیم و هر ایرانی‌ای که از خود می‌رانیم، بر امکان پیروزی اثر می‌گذارد. اگر خواهان عبور از جمهوری اسلامی هستیم، باید بتوانیم نیروی ملی بسازیم؛ نیرویی که مردم به توانایی آن برای حفاظت از جانشان، اداره کشور و احترام به رأیشان اعتماد کنند. خشم، هر قدر موجه، به‌تنهایی استراتژی پیروزی نیست. مسئولیت ما تبدیل این خشم به درایت، سازمان‌یافتگی و امیدی قابل اتکاست.

من از موضع حمایت از شاهزاده رضا پهلوی و پادشاهی مشروطه سخن می‌گویم. دقیقاً به همین دلیل، با تبدیل جنبش شیر و خورشید به محفل تنگ سنجش وفاداری مخالفم. ما حق نداریم سرمایه تاریخی یک نام، شکوه یک پرچم و رنج یک ملت را خرج رقابت‌های حقیر درون گروهی کنیم. ایران میدان تقسیم غنائم نیست. ملتی که برای آزادی برخاسته است، از ما توان ساختن آینده می‌خواهد.

اگر از «الگوریتم موفقیت» در سیاست سخن می‌گوییم، باید آن را روشی برای یادگیری و اصلاح بدانیم: هدف روشن، شناخت نیروها، ایجاد همکاری، سنجش نتیجه و بازبینی تصمیم. هیچ فرمولی پیروزی را تضمین نمی‌کند، اما جنبشی که از خطای خود نمی‌آموزد، هزینه آن را بر مردم تحمیل می‌کند. درایت سیاسی در همین توان اصلاح مسیر آشکار می‌شود.

اتحاد ملی باید ظرفیت جذب داشته باشد

اگر نام این جنبش را ایران‌دوستی و ملی‌گرایی گذاشته‌ایم، باید برای بیشترین شمار ایرانیان در آن جا باز کنیم. کارگر، کارآفرین، دانشجو، پزشک، دیندار، بی‌دین، جمهوری‌خواه و پادشاهی‌خواه، هیچ‌کدام برای

ایرانی بودن به اجازه ما نیاز ندارند. من پرچم شیر و خورشید را پرچم همبستگی ملی می دانم و از گردآمدن نیروها حول آن و رهبری شاهزاده رضا پهلوی دفاع می کنم. وظیفه ما اقناع و اعتمادسازی است؛ ایرانی ای که هنوز با نماد یا انتخاب سیاسی ما همراه نشده، حقوق شهروندی کمتری ندارد.

اتحاد ملی به معنای یکسان شدن عقاید نیست. قرار است درباره قواعد مشترک توافق کنیم تا اختلاف های واقعی درباره اقتصاد، سیاست اجتماعی و شکل حکومت در انتخابات و پارلمان حل شوند. کسی که قانون، برابری شهروندی و حق انتخاب مردم را می پذیرد، ظرفیت همکاری دارد؛ حتی اگر درباره تاریخ پهلوی با من هم نظر نباشد. در نوشته های پیشینم درباره مسئولیت پذیری و پهلویسم آینده گرا نیز بر همین ظرفیت گردآوری نیروهای متنوع تأکید کرده ام. [۱، ۲]

برای توضیح این فراگیری می توان از تصویر منحنی گاوسی کمک گرفت، اما باید مرز استعاره و آمار را شناخت. در یک توزیع نرمال، حدود ۹۵/۴۵ درصد داده ها در فاصله دو انحراف معیار از میانگین قرار می گیرند؛ این قاعده، توزیع گرایش های سیاسی ایرانیان را اثبات نمی کند. [۸] وقتی از جذب ۹۵ درصد سخن می گویم، مقصودم آرمان فراگیری است، نه نتیجه نظرسنجی و نه سهمیه ای برای طرد دو سوی جامعه. اگر بخش بزرگی از ایرانیان بیرون از دایره همکاری مانده اند، پیش از متهم کردن آنان باید برنامه و رفتار خود را بازبینی کنیم.

مرز دموکراسی را با برچسب تعیین نکنیم

طبیعی است که برخی نیروها به چنین اتحادی نپیوندند. اما مرز همکاری را باید رفتار و تعهد آنان تعیین کند: پذیرش رقابت آزاد، پرهیز از خشونت و احترام به حقوق دیگران. صرف چپ بودن یا راست بودن، مذهبی بودن یا جمهوری خواه بودن، دلیل افراطی بودن نیست. حتی مخالف اتحاد نیز حق بیان مسالمت آمیز عقیده دارد. آزادی اگر فقط برای دوستان ما باشد، هنوز به یک اصل تبدیل نشده است.

نقد من متوجه گرایشی اقتدارطلب است که در ادبیاتم آن را پهلویسم گذشته گرا نامیده ام؛ گرایشی که می خواهد وفاداری به یک نام را جایگزین حق مردم برای تصمیم گیری کند. این دآوری را به همه هواداران دیرینه خاندان پهلوی تعمیم نمی دهم. احترام به خدمات تاریخی آن خاندان با التزام به مشروطه سازگار است. مسئله از جایی آغاز می شود که کسی صندوق رأی را مزاحم، حقوق بشر را دست و پاگیر و منتقد را خائن می خواند.

وعده اینکه ابتدا قدرتی بی‌مهار بسازیم و بعداً آزادی بدهیم، هیچ ضمانت اجرایی ندارد. اگر آزادی را به نیت نیک صاحب قدرت وابسته کنیم، هر جانشینی می‌تواند همان وعده را به آینده‌ای دورتر حواله دهد. ملت باید از آغاز صاحب حق، نهاد و امکان نظارت باشد. اقتدار دولت زمانی به کشور خدمت می‌کند که قانون حدود آن را تعیین کند و شهروند بتواند بدون ترس از آن حساب بخواند.

وفاداری به شاهزاده باید با اصول اعلام‌شده سنجیده شود

شاهزاده رضا پهلوی در سخنرانی ۶ ژوئیه ۲۰۲۶ در کمیته امور خارجی پارلمان هلند، چهار اصل را برای گذار برشمرده است: تمامیت ارضی ایران؛ حقوق برابر و آزادی‌های فردی شهروندان؛ جدایی دین از حکومت؛ و حق مردم برای انتخاب شکل آینده حکومت. او در همان سخنرانی از ائتلافی شامل چپ و راست، جمهوری خواه و پادشاهی خواه سخن گفته است. [۵] بنابراین، دفاع از رأی مردم و تکرار سیاسی با چارچوب اعلام‌شده او هم‌راستاست.

هرکس به نام حمایت از شاهزاده، حق رأی و آزادی مخالف را تحقیر کند، باید پاسخ دهد با کدام بخش این اصول همراه است. تکرار نام رهبر، ما را از پاسخ‌گویی معاف نمی‌کند. کسی که سخن از اتحاد می‌گوید اما راه ورود دیگران را می‌بندد، در عمل ظرفیت رهبری ملی را محدود می‌کند. کسی که نقد را خیانت می‌نامد، امکان اصلاح خطا را از جنبش می‌گیرد.

من از رهبری شاهزاده در دوران گذار حمایت می‌کنم، زیرا می‌خواهم این رهبری بتواند اعتماد نیروهایی فراتر از هواداران موجود را جلب کند. پادشاهی مشروطه انتخاب سیاسی من است و برای آن استدلال می‌کنم؛ انتخاب نهایی متعلق به ملت است. جمهوری خواهی که قواعد دموکراتیک را می‌پذیرد باید اطمینان داشته باشد که در ایران فردا می‌تواند آزادانه برای رأی مردم رقابت کند. اعتبار مشروطه خواهی ما در همین اطمینان آزموده می‌شود.

پهلویسم آینده‌گرا به ملت توانمند نیاز دارد

پهلویسم آینده‌گرا از میراث دولت‌سازی و نوسازی، برای ساختن ایران فردا الهام می‌گیرد. مفهوم پهلوی پلاس را نیز در همین امتداد به کار برده‌ام: پیوند ظرفیت دولت ملی با آزادی سیاسی، حقوق برابر، نهادهای

پاسخگو و انتخاب مردم. [۲، ۳] این نگاه، پادشاه را در چارچوب قانون می‌خواهد و شهروند را صاحب حق می‌شناسد. اقتدار کشور باید بر توانایی مردم تکیه کند؛ مردم خاموش و وابسته، پشتوانه پایداری برای هیچ نظامی نیستند.

در چنین ایرانی، چپ می‌تواند از حقوق کارگران دفاع کند، راست برنامه اقتصادی خود را عرضه کند، کنشگر حقوق زنان برابری بخواند و مدافع محیط زیست درباره آب و خاک کشور مطالبه‌گری کند. این صداها بخشی از حیات ملی‌اند. ایران دوستی زمانی به بلوغ می‌رسد که بتواند اختلاف را درون یک نظم مشترک نگه دارد و از تبدیل رقیب سیاسی به دشمن وجودی جلوگیری کند.

نگرانی من از گرایش اقتدارطلب همین است: ملتی را می‌خواهد که امروز دنبال‌رو باشد و حق پرسش را به فردا موکول کند. من آینده‌ای می‌خواهم که در آن زن، جوان، منتقد و مخالف از همین امروز شریک گفت‌وگو باشند. حفظ نام پهلوی با تنگ‌کردن میدان اندیشه ممکن نمی‌شود. این نام‌هنگامی به آینده خدمت می‌کند که به گسترش اعتماد، شایستگی و مشارکت کمک کند.

حفاظت از جان مردم معیار راهبرد مسئولانه است

استراتژی پیروزی باید هزینه انسانی گذار را جدی بگیرد. گسترش همبستگی ملی و فراهم‌شدن امکان فاصله‌گرفتن افراد از ساختار سرکوب می‌تواند به کاهش خشونت کمک کند؛ تضمینی مکانیکی در کار نیست. هرچه افراد بیشتری باور کنند که ایران آینده برای آنان امنیت حقوقی دارد، انگیزه دفاع از وضع موجود ممکن است کاهش یابد. سیاست مسئولانه باید این امکان را تقویت کند و زندگی مردم را موضوع رقابت بر سر تندترین شعار قرار ندهد.

آشتی ملی نیز به معنای پاک‌کردن مسئولیت جنایت نیست. باید میان کسی که در سرکوب و شکنجه مسئولیت داشته و شهروند یا کارمندی که برای زندگی در ساختار موجود کار کرده، تمایز گذاشت. مسئولیت فردی باید با سند و دادرسی عادلانه بررسی شود. وعده انتقام جمعی، راه فاصله‌گرفتن از حکومت را می‌بندد؛ مصونیت بی‌قیدوشرط نیز حق قربانیان را نادیده می‌گیرد. اعتماد عمومی به عدالت قابل پیش‌بینی نیاز دارد.

فحاشی و تهدید درون جنبش هم به همین اعتماد آسیب می‌زند. این رفتارها ممکن است در حلقه‌ای بسته تشویق شوند، اما برای مردمی که می‌خواهند بدانند فردای ایران چگونه اداره خواهد شد، نشانه‌ای نگران‌کننده‌اند. در نوشته پیشینم درباره رد فحاشی و تهدید بر مسئولیت فردی و پرهیز از اتهام‌زنی جمعی تأکید کرده‌ام. [۴] دفاع از شاهزاده باید چنان باشد که یک ایرانیِ مردد با دیدن رفتار ما، به امکان آزادی بیشتر امیدوار شود.

سیاست خارجی جای توان ملی را نمی‌گیرد

خطای دیگر، بناکردن تمام آینده بر این تصور است که حمله آمریکا یا اسرائیل حکومت را از میان خواهد برد و قدرت آماده تحویل خواهد شد. هیچ تحول خارجی به‌خودی‌خود دولت دموکراتیک، اعتماد اجتماعی یا خدمات عمومی نمی‌سازد. جنگ می‌تواند جان شهروندان و ظرفیت کشور را نیز تهدید کند. جنبشی که برای فردای ایران مسئولیت می‌پذیرد، باید درباره اداره کشور، حفظ زیرساخت‌ها و جلوگیری از خلأ قدرت پاسخ روشن داشته باشد.

در ارزیابی من، حمایت پایدار خارجی با نشان دادن اعتبار اجتماعی و توان اداره گذار تقویت می‌شود. نمی‌توان همراهی دونالد ترامپ یا دولت‌های اروپایی را امری تضمین‌شده فرض کرد. دولت‌های خارجی اولویت‌ها و محاسبات خود را دارند. ما باید از حق تعیین سرنوشت ایرانیان دفاع کنیم و هم‌زمان نشان دهیم که برنامه ما برای قانون، امنیت و همکاری بین‌المللی قابل اتکا است.

برای دیدن خطر رقابت می‌توان یک سناریوی فرضی را در نظر گرفت: اگر چهره‌ای از درون ساختار، برای مثال محمدباقر قالیباف، بتواند در موقعیتی آینده تعهداتی قابل راستی‌آزمایی ارائه دهد، بخشی از نیروهای حاکم را همراه کند و برای طرف خارجی شریک اجرایی قابل اتکایی جلوه کند، ممکن است توجه و حمایت بیشتری جلب کند. این فرض، ادعای وجود توافق یا برآورد احتمال موفقیت او نیست. هشدار من روشن است: هیچ نامی بدون اعتماد و کارآمدی، پیروزی تضمین‌شده ندارد. معامله خارجی نیز به‌تنهایی مشروعیت دموکراتیک ایجاد نمی‌کند.

برنامه گذار باید محل کار جمعی باشد

مسئولیت‌پذیری حکم می‌کند متخصصان و کنشگران به میدان بیایند و برنامه گذار را با کار واقعی تقویت کنند. پروژه شکوفایی ایران در نسخه مارس ۲۰۲۶، نقشه‌ای پیشنهادی برای ۱۸۰ روز نخست پس از جمهوری اسلامی عرضه می‌کند و حوزه‌هایی چون حکمرانی، امنیت، اقتصاد و خدمات اساسی را در بر می‌گیرد. [۷]

چنین برنامه‌ای باید خوانده شود، نقد شود و با مشارکت تخصصی دقیق‌تر شود. حمایت از آن با تعطیل کردن پرسش و ارزیابی سازگار نیست.

متن اتحاد ملی در کارزار «ایران را پس می‌گیریم» نیز آزادی‌های مدنی، رفع تبعیض، حفاظت از محیط زیست و حمایت از نقش شاهزاده در انقلاب ملی و دوران گذار را کنار یکدیگر قرار می‌دهد. [۶] این پیوند باید در عمل دیده شود. پزشک باید به تداوم درمان بیندیشد؛ حقوقدان به حدود اختیار نهادهای انتقالی؛ اقتصاددان به ثبات پول و معیشت؛ و کنشگر مدنی به نظارت و مشارکت عمومی. کشور با شایستگی اداره می‌شود و مسئولیت‌ها باید روشن و قابل ارزیابی باشند.

تقویت مرکز هماهنگی ملی، مسئولیت جامعه را از میان نمی‌برد. نمی‌توان همه بار اعتمادسازی، تشکل، گفت‌وگو و حل اختلاف را بر دوش یک نفر گذاشت و سپس از او معجزه خواست. [۱] هر گروه باید سهم خود را بپذیرد. توان جنبش را باید در همکاری‌های پایدار، شفافیت مالی، کیفیت برنامه و تحمل نقد دید. تشویق در جمع دوستان، به‌تنهایی نشانه گسترش اعتماد در جامعه نیست.

اکنون زمان مسئولیت‌پذیری است

من نیروهای خردگرا و میهن‌دوست را به حضور جدی‌تر فرامی‌خوانم. میدان گفت‌وگوی عمومی را به کسانی نسپاریم که هر اختلافی را با اتهام پاسخ می‌دهند. از رهبری شاهزاده رضا پهلوی با استدلال، مشارکت و نقد مسئولانه پشتیبانی کنیم. هر ایرانی‌ای که به قواعد مشترک نزدیک می‌شود، فرصتی برای گسترش نیروی ملی است. هر خطایی که به موقع اصلاح می‌کنیم، بخشی از توان آینده ماست.

پیروزی برای من در توان مردم برای زندگی آزاد و آبرومند معنا پیدا می‌کند: زنی که صاحب اختیار خویش است، کودکی که آینده دارد، کارگری که حق تشکل دارد و شهروندی که می‌تواند از حکومت حساب بخواهد.

ایران نیرومند را چنین مردمی می‌سازند. پرچم شیر و خورشید باید بر فراز کشوری برافراشته شود که شهروندانش در آن احساس تعلق و حق داشته باشند.

بگذارید صدای این جنبش، صدای ملتی باشد که از رنج خود درایت ساخته است. وفاداری ما باید راه ورود هم‌میهنانمان را باز کند و شجاعت‌مان در پذیرش مسئولیت دیده شود. من از شاهزاده رضا پهلوی حمایت می‌کنم و برای پیروزی ایرانی آزاد، آباد و قانون‌مدار می‌کوشم. ایران را پس می‌گیریم تا مردم ایران صاحب سرنوشت خویش شوند؛ و همین امروز باید نشان دهیم که شایستگی این مسئولیت را داریم.

منابع و پیوندهای مرتبط

۱. بخشایش، پیمان. مسئولیت‌پذیری در انقلاب شیر و خورشید؛ میان سازماندهی از بالا به پایین و تشکل از پایین به بالا. ۳ ژوئن ۲۰۲۶. نسخه Word در گوگل‌درایو نویسنده. [مشاهده منبع](#)

۲. بخشایش، پیمان. پهلویسم آینده‌گرا؛ ظرفی سیاسی ماگزیمالیستی برای اپوزیسیون ایران. ژوئن ۲۰۲۶. نسخه Word در گوگل‌درایو نویسنده. [مشاهده منبع](#)

۳. بخشایش، پیمان. پهلوی پلاس چیست. ویرایش انتشار ۱۳ اکتبر ۲۰۲۶. وب‌سایت نویسنده. [مشاهده منبع](#)

۴. بخشایش، پیمان. جنبش ملی شیر و خورشید و رد فحاشی و تهدید. ویرایش انتشار ۱۳ اکتبر ۲۰۲۶. وب‌سایت نویسنده. [مشاهده منبع](#)

۵. رضا پهلوی. سخنرانی در کمیته امور خارجی پارلمان هلند. ۶ ژوئیه ۲۰۲۶. وب‌سایت رسمی؛ مرجع اصول چهارگانه و موضع اعلام‌شده درباره تکرر ائتلاف. [مشاهده منبع](#)

۶. کارزار ایران را پس می‌گیریم. متن اتحاد ملی. نسخه در دسترس در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۶؛ مرجع تعهدات اعلام‌شده درباره آزادی، برابری، محیط زیست و دوران گذار. [مشاهده منبع](#)

۷. پروژه شکوفایی ایران. معرفی دفترچه مرحله اضطراری، نسخه مارس ۲۰۲۶. وب‌سایت رسمی؛ چارچوب پیشنهادی ۱۸۰ روز نخست و حوزه‌های برنامه. [مشاهده منبع](#)

۸. مؤسسه ملی استاندارد و فناوری آمریکا. راهنمای آمار، بخش توزیع نرمال. مرجع نسبت ۹۵/۴۵ درصد در فاصله دو انحراف معیار؛ فاقد ادعایی درباره توزیع عقاید سیاسی. [مشاهده منبع](#)